

نشریه همسفرشو

شماره دوم_اردیبهشت ۱۴۰۱



کانون بسیج اساتید
واحد یار کارنام خیمه (ره) شهری



واحد یار کارنام خیمه شهری
واحد یار علوم انسانی

نشریه همسفر شو

شماره دوم_ اردیبهشت ماه ۱۴۰۱
صاحب امتیاز: دانشکده علوم انسانی واحد
یادگار امام خمینی (ره) شهرری
استاد مشاور: خانم دکتر فرناز لطیف
مدیر مسئول: خانم دکتر معصومه ذبیحی
سردبیر: زینب حیدری
مدیر اجرایی: زهرا عرب کیاسری
طراح و ویراستار: زینب حیدری

سخن سردبیر

مقدمه راوی

سفر به شهرهای ازبک و آنتالیا ترکیه

شهر ازبک و دانشگاه اقتصاد

آنچه از یک بانوی محقق ایرانی

انتظار نمی رفت!

گشت و گذاری در محیط دانشگاه

ازبک

سفر به شهر آنتالیا و دانشگاه آکدنیز

برخورد ماموران در فرودگاه

دانشگاه آکدنیز

حقایقی از شهر آنتالیا

سفر به کره جنوبی، شهر سئول

دریافت ویزا...

احترام به مسافران در کانتر پرواز اول صبح

فرودگاه اینچئون سئول...

پرواز چینی

آن ها نیازی به توریست نداشتند!

سفر به کشور مالزی

شهر ساراواک پایتخت کوچین، حیات خلوت استرالیا...

حقایقی که در کوآلا لامپور مشاهده

کردیم!

همایش در مرکز همایش های ساراواک

سفر به بلغارستان

تجربه سفر به سوفیا، بورگاس و وارنا

سخن آخر

سخن سردبیر

پیامبر اکرم (ص) می فرماید :
(علم را بجوید، اگرچه در چین باشد)
و حکیم ابوالقاسم فردوسی می فرماید :

به دانش گرای و بدو شو بلند
ز دانش در بی نیازی بجوی
ز نادان بنالد دل سنگ و کوه
توانا بود هر که دانا بود

چو خواهی که از بد نیابی گزند
و گر چند سختیت آید به روی
ازیرا ندارد بر شکوه
ز دانش دل پیر، برنا بود

از این سخنان، چنین می فهمیم که کسب علم که به دلیل توانایی اش در حفاظت کردن از ما، امری واجب است، گاهی سفر کردن و ترک وطن می طلبد. فیلسوف نامدار انگلیسی، فرانسیس بیکن، در جمع بین سفر و کسب علم می گوید :

مسافرت در جوانی، بخشی از کسب معلومات است و در پیری، بخشی از تجربه

به همین خاطر تصمیم گرفتیم در این شماره از نشریه جهت آشنا کردن خوانندگان با محیط های علمی جدید سایر کشورها و مزایا و معایب آن ها با خانم دکتر فرناز لطیف همراه شویم.



سفر به شهرهای ازمیر و آنتالیا ترکیه

شهر ازمیر و دانشگاه اقتصاد

سفر من به شهر ازمیر در سال ۲۰۱۱ میلادی با پذیرش مقاله‌ای در همایش بین‌المللی آموزش زبان انگلیسی در دانشگاه اقتصاد ازمیر روی داد.

آنچه از یک بانوی محقق ایرانی انتظار نمی‌رفت!

من شاهد تعجب دانشجویان و استادان حاضر در همایش از ملاقات بانوی محقق ایرانی در حوزه تخصصی آموزش زبان انگلیسی به نمایندگی از کشور جمهوری اسلامی ایران بودم، به خصوص این که تصور نمی‌شود که بانوان ایرانی می‌توانند از به روزترین امکانات تکنولوژی جهان استفاده کنند و به ویژه آن‌ها را به همراه داشته باشند.

هنگامی که در خصوص برنامه مایند منیجر (mind manager) درخواست کردم، با شگفتی به من نگاه می‌کردند. از آنجایی که مسلط به زبان انگلیسی و استانبولی بودم بار دیگر برای مخاطبین جالب بود که صرفاً به اتکا آموزش زبان انگلیسی در ایران با چنین تسلطی ارتباط برقرار کرده و ارائه می‌دهم و با وجود محدودیت‌ها و تحریم‌های موجود دستیابی به اطلاعات روز جهت ارائه محتوای پژوهشی مدرن برای آن‌ها تعجب برانگیز بود. تمام این حقایق منجر به پرشدن اتاق ارائه بنده از استادان، محققان و دانشجویان آمریکایی، انگلیسی، ترک و غیره شد که بسیار غرور آفرین بود.



مقدمه راوی

خیلی از ما از «سفر علمی» شنیده‌ایم و یا حتی در دوران تحصیل خود به این سفر رفته‌ایم. اما هنگامی که این سفر در سطح دانشگاهی آن هم به عنوان نماینده علمی دانشگاه صورت می‌گیرد سبک و سیاق خاصی دارد و همچنین نوع تجربه‌ای متفاوت را برای آن فرد رقم می‌زند.

آنچه در این قسمت از مجله همسفرشو با شما مخاطبین عزیز به اشتراک می‌گذارم حاصل چند سفر علمی به کشورهای آسیایی (ترکیه، کره جنوبی و مالزی) و بلغارستان است، سفرهایی که اکثر آن‌ها را به همراه همکار دیگر خانم دکتر مهدیه شفیعی‌پور که عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی هستند تجربه کردم و با ارائه مقالات علمی خود در کنفرانس‌های بین‌المللی در حوزه مسائل مربوط به آموزش زبان انگلیسی تلاش کردیم تا منعکس کننده حضور بانوان در عرصه علمی کشور در حوزه علوم انسانی مقابل نمایندگان فرهیخته کشورهای پیشرفته جهان (آمریکا، انگلستان، کانادا، استرالیا) باشیم.



گشت و گذاری در محیط دانشگاه ازمیر

همایش‌های بین‌المللی در ترکیه به چشم می‌خورد برگزاری آیین اختتامیه در قالب گالادینر (ضیافت شام) بود، البته توجه به ذائقه شرکت‌کنندگان و احترام به فرهنگ و مذهب آن‌ها در پذیرایی بسیار تحسین برانگیز بود. آنچه متأسفانه در قالب همایش‌ها دیده می‌شود عدم صداقت برگزارکنندگان در خصوص داوری و چاپ مقالات پس از همایش بود که در روز ابتدایی متوجه شدیم مقاله‌های خودشان را در کتابچه‌ای چاپ نموده‌اند و قول آن‌ها به شرکت‌کنندگان صحت نداشته است. فارغ از رویداد علمی که تجربه کردم، شهر ازمیر را شهری دانشجویی و آرام یافتم. انواع مختلف وسایط نقلیه در آنجا وجود داشت حتی برای حمل و نقل آبی، آرامش و امنیتی در اطراف دانشگاه حاکم بود. پاکیزگی و نظافت بسیار تحسین برانگیز بود حتی رسیدگی که به فضای سبز در سطح شهر و به خصوص دانشگاه صورت گرفته بود بسیار زیبا بود. معماری شهری یک دست و هماهنگ بسیار جلب توجه می‌نمود و مردم شهر بسیار مهمان‌نواز بودند.

*محل اقامت



وقتی در راهروها و طبقات مختلف دانشگاه حرکت می‌کردیم، امکانات آموزشی و رفاهی مختص دانشجویان و استادان به چشم می‌خورد، آن‌ها حتی مراکز مربوط به پیرایش را در اختیار استادان و دانشجویان قرار داده بودند که با ظاهری آراسته در فضای آموزشی حاضر شوند. آنچه بسیار جلب توجه می‌کرد نوع تبلیغاتی بود که برای جذب دانشجو انجام می‌شد، برای مثال: در همایش مربوط به آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه با فراهم آوردن بسته تبلیغاتی به تبلیغ دانشگاه اقتصاد پرداخته بود. توجه به منافع دانشگاه در جذب دانشجو بین‌المللی در کلیه رشته‌ها و بهره‌جویی از موقعیت همایش، به نوعی همراهی رشته‌های مختلف برای جذب دانشجوی بین‌المللی بارز بود. استادان آمریکایی و انگلیسی حضور فعالی داشتند و نکته قابل توجه، عدم خشنودی دانشجویان ترک از این حضور بود. از نکات دیگر که در اکثر



*حمل و نقل عمومی در ازمیر



*محل اقامت



*محل اقامت



*نمایی از شهر ازمیر

سفر به شهر آنتالیا و دانشگاه آکدنیز ...

این سفر در سال ۲۰۱۲ به همراه گروهی از همکاران از واحدهای مختلف دانشگاه آزاد اسلامی انجام شد. گروهی از بانوان محقق از ایران که مسلط به زبان انگلیسی، فرانسه، عربی، اسپانیولی و ترکی بودند و تعجب همه مخاطبان را بر می‌انگيختند.

برخورد ماموران در فرودگاه

متأسفانه علی‌رغم این که افراد مسلمان با پوشش اسلامی در کشور ترکیه زندگی می‌کنند، طی رفتار شیطنت آمیزی ماموران فرودگاه آنتالیا بازرسی سختگیرانه و توهین آمیزی از گروه بانوان ایرانی همراه ما انجام دادند این درحالی بود که یک زوج محجبه ترک در صف بازرسی حضور داشتند که بسیار ساده و با احترام بازرسی شدند. این شیطنت تبعیض آمیز مورد اعتراض گروه ما واقع شد ولی هیچ مرجعی برای رسیدگی وجود نداشت.

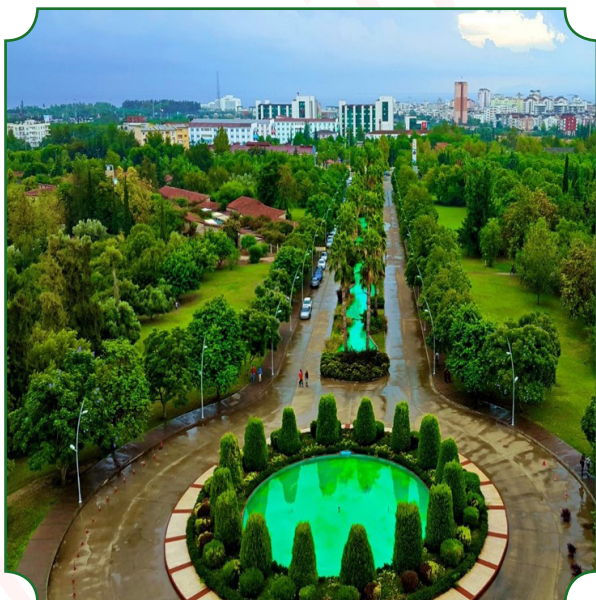


*صف بازرسی فرودگاه آنتالیا

دانشگاه آکدنیز

فضای دانشگاهی بسیار وسیع با تنوع معماری، فضای سبز سطح علمی دانشجویان در رشته تخصصی ما بسیار ضعیف و توجه به اساطیر تاریخی و مذهبی در این معماری بسیار بود اما امکانات بسیار زیادی در اختیار آن‌ها قرار گرفته بود. چشم‌نواز بود. آنچه در خصوص امکانات رفاهی و دانشجویی فضای لابی سالن اصلی اینترنت وای فای برای عموم داشت. در جلب توجه می‌کرد این بود که به شیوه‌های جوان پسندانه محوطه بیرونی سالن همایش به طور سنتی غذای محلی طبخ و مدرن دانشجویان را جذب محیط می‌کردند. موسیقی و به فروش می‌رسید. خدمات در این شهر رایگان نبود، حتی در زنده، فضاهای غذاخوری، کافی شاپ‌های سرسبز و زیبا و... همایش نیز درآمدهای جانبی داشتند.

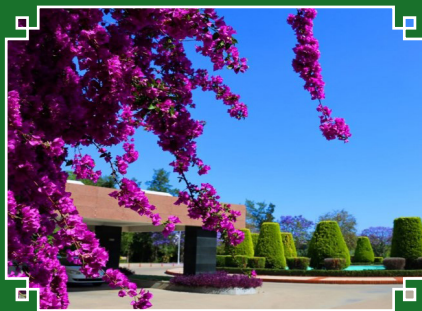
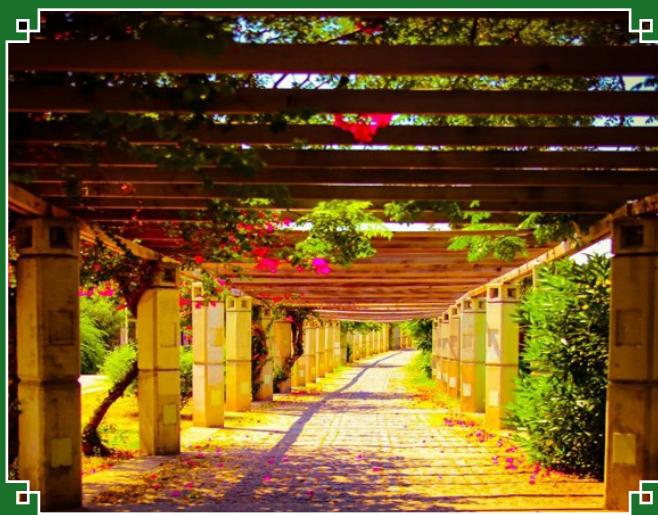
حقایق از شهر آنتالیا



علی‌رغم این که شهر آنتالیا بیشتر به مرکز تفریح لوکس شناخته شده است، در سفری که داشتیم به بافت اصلی شهر رفتیم و حقایق آنتالیا را به چشم دیدیم. فقر مردم محلی بارز بود. حرفه اصلی جوانان خوش شانس، کار در هتل‌ها و یا فروشگاه‌ها بود. ارتزاق اصلی مردم از حوزه گردشگری، آن هم در فصل‌های خاص بود. بماند این چهره‌ای که از بسیاری از جوانان و به خصوص بانوان ایرانی در فروشگاه‌ها متصور شده بود بسیار ناراحت کننده بود. حقیقت وضعیت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی با قدم زدن در مرکز شهر کاملاً قابل لمس بود. متأسفانه پس از ساعت ۸ شب به واسطه ناامنی، پلیس در بخش‌های مختلف کشیک می‌داد و توصیه می‌شد از این ساعت به بعد بیرون نباشیم.

آنتالیا

شهر قدیمی ، موزه آنتالیا و باغ مینیاتوری



سفر به کره جنوبی، شهر سئول دریافت ویزا...



سختگیری سفارت کره جنوبی بر کسی پوشیده نیست. اما آنچه من تجربه کردم تماس مسئولین سفارت با تک تک متقاضیان شرکت در همایش و مصاحبه تلفنی قبل از حضور در سفارت و درخواست ویزا بود. البته از این گذشته دیدار یکی از هم کلاسی‌های خودم در موسسه زبان انگلیسی شکوه در دهه ۷۰ که به عنوان مسئول ارتباطات با متقاضیان ایرانی در سفارت بود بعد از آن همه سختگیری و جدیت حس بسیار خوبی را به من القا می‌نمود و به ایشان بسیار افتخار کردم.

احترام به مسافران در کانتر پرواز اول صبح



کانتر کره‌ای صبح راس ساعت ۷، پس از ادای احترام به مسافران (تعظیم به سبک کره‌ای) شروع به کار کرد. اما علی‌رغم توسعه و پیشرفت تکنولوژی و امکانات، ارتباط اجتماعی پلیس مهاجرت و مأموران در مواقع بروز مشکل بسیار سرد و بی‌تفاوت بود. به این مفهوم که فقط در قالب مقررات برخورد می‌کردند و خارج از آن اگر مواردی اتفاق می‌افتاد استثناء وجود نداشت و همدلی و همراهی و کمک هم مفهوم نداشت.

فرودگاه اینچئون سئول...



*مسیر زیبای فرودگاه تا هتل

جهت شرکت در کنفرانس را حک کرده بودن. پس از بازجویی و رفع شک و تردید پلیس بدون عذرخواهی بابت معطلی اجازه ورود دادند. فاصله فرودگاه تا محل هتل کنفرانس دور بود به همین دلیل ناچار به اجاره لیموزین تا محل هتل با نرخ (۹۰ دلار) شدیم. تکنولوژی بالا و حمل و نقل توسعه یافته در فرودگاه و شهر فوق العاده بود.

هنگامی که بعد از یک سفر ۲۲ ساعته به فرودگاه اینچئون وارد شدیم توسط پلیس دیپلمات به اتاق بازجویی هدایت شدیم چون تشابه اسمی بین یکی از همراهان ما و یک گروه در لیست سیاه وجود داشت، البته پیش‌بینی سختگیری می‌کردیم و تمام جزئیات سفر را روی لپ‌تاپ همراه داشتیم. پلیس به سختی انگلیسی صحبت می‌کرد. آن‌ها با هتل محل کنفرانس، با هماهنگی‌کننده همایش تماس گرفتند تا تاییدیه گرفتند. این در حالی بود که در پاسپورت ما ویزا

پرواز چینی ...

با این که همیشه قبل از سفر شرکت‌های هواپیمایی را بررسی می‌کردیم و تلاش می‌کردیم با کیفیت‌ترین و در عین حال مقرون به صرفه‌ترین را انتخاب کنیم، این بار انتخاب ما شرکت هواپیمایی (China Southern) بود که البته علی‌رغم تبلیغ امکانات متوجه شدیم که خدمات اصلی این شرکت به ایران ارائه نمی‌شود و به طرز تیرگی تبیض‌آمیز حتی امکانات داخل هواپیما نیز برای سفری بسیار طولانی مناسب نبود. از این گذشته تجربه امکانات رفاهی فرودگاهی در پکن و نوع سرویس‌های بهداشتی آنجا، فروش مک دونالد با ذائقه چینی‌ها، فروش کالاهای چینی با کیفیت بالا و قیمت بالا بسیار بارز بود.

این که می‌گویند بسیاری از بازرگانان ایرانی درخواست کالای درجه سوم و چهارم برای واردات به ایران را دارند کاملاً مشهود بود، چون کالای با کیفیت چینی بسیار گران بود.



✽ فرودگاه بین‌المللی پکن



✽ فرودگاه بین‌المللی پکن

آن‌ها نیازی به توریست نداشتند!

جالب این بود که هتل‌های محلی آخر هفته‌ها با خانواده‌های کره‌ای که برای تفریح مراجعه می‌کردند پر می‌شد. آنچه در کشور ما مرسوم نیست و یا اگر هست از نظر اقتصادی این امکان برای بسیاری خانواده‌ها وجود ندارد.

حتی در کنفرانس هم که پانصد ارائه‌کننده از سراسر آسیا داشت تاکید بر آموزش زبان کره‌ای به کودکانشان بودند و جالب این بود که چینی‌ها و کره‌ای‌ها برای کودکان خود معلم خصوصی استخدام می‌کنند که زبان و ادبیات مادری را در قالب داستان به آن‌ها بیاموزد.

آنچه در هتل بر ما مسجل شد این بود که برای این کشور توریسم مهم نیست. فقط فرایندها و مقررات حاکم بود. زبان انگلیسی کارایی نداشت. با زبان اشاره و با اتکا به نقشه‌ها می‌توانستید ارتباط برقرار کنید. مردم سئول با استفاده از اینترنت فوق العاده پر سرعت در مترو، خیابان، مراکز خرید ارتباط برقرار می‌کردند اما اینترنت رایگان نبود. تابلوهای راهنمایی به زبان کره‌ای بودند، آواهای مشابه تشخیص ایستگاه‌های مترو را برای سوار یا پیاده شدن دشوار می‌کرد. مکالمه با مردم بسیار به سختی صورت می‌گرفت حتی زبان بدن و میمیک سرد و خنثی داشتند.



✽ نمای از داخل مترو



✽ نمای از داخل مترو



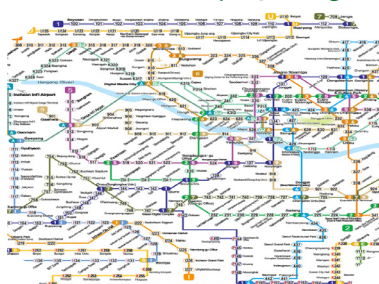
✽ خیابان های سئول



✽ نمای از داخل مترو



✽ خیابان های سئول



✽ نقشه مترو سئول

کره جنوبی



*بزرگترین شهر بازی سر پوشیده Lotte World Park



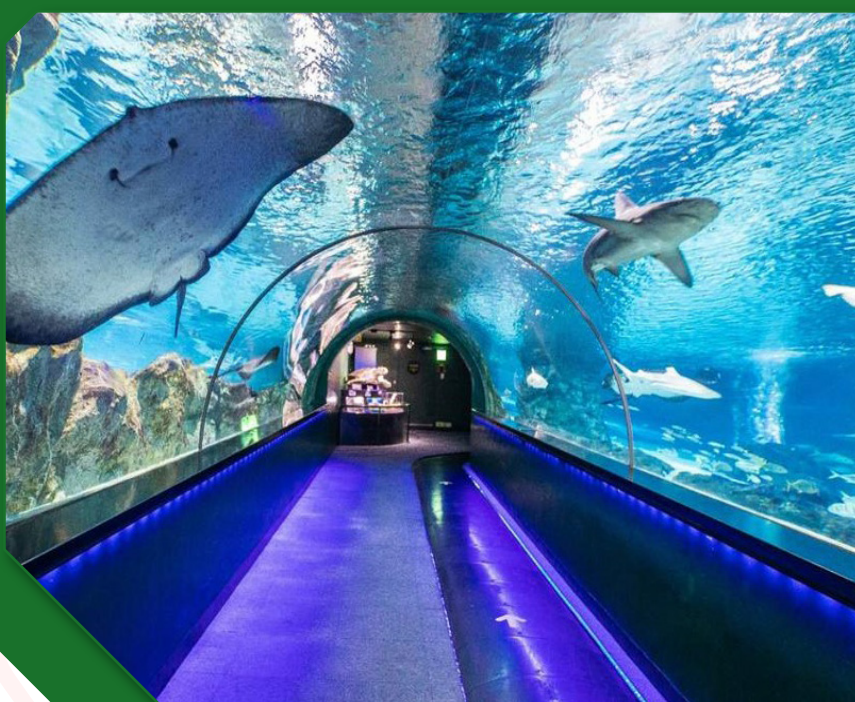
*بزرگترین شهر بازی سر پوشیده Lotte World Park



* احترام به ارباب رجوع



*Cheonggyecheon Stream



*Coex Aquarium



*Cheonggyecheon Stream

سفر به کشور مالزی

شهر ساراواک پایتخت کوچین، حیات خلوت استرالیا...

همایش ما در سال ۲۰۱۴ در شهر ساراواک، پایتخت کوچین واقع شده بود در واقع ایالتی خود مختار بود که واحد پولی مختص خود را داشت و برای ورود به آن نیاز به ویزا داشتیم. جالب این بود که در این شهر اینترنت رایگان در دسترس همه بود. البته بسیاری از ایرانی‌ها که در پی مهاجرت غیرقانونی به استرالیا بودند آب‌های این منطقه را انتخاب می‌نمودند که بسیاری از آن‌ها جان خود را از دست می‌دادند بنابراین قوانین ورود و خروج سختگیرانه‌ای اتخاذ شده بود تا از خروج غیرقانونی ممانعت شود.



*Kuching, the capital of Sarawak

حقایقی که در کوالالامپور مشاهده کردیم!

دانشجویان ایرانی را هم ملاقات کردیم. اما آنچه دیده می‌شد جذابیتی برای زندگی دانشجویی ایجاد نمی‌کرد مگر برای افرادی که به کلیه شرایط سازگاری داشته باشند.



کردن یک رستوران ایرانی به نام حاتم، گویی دنیا را به ما داده بودند و دلتنگی از وطن را آنجا کمی التیام بخشیدیم. برخورد ایرانیان حاضر در کوالالامپور با ما که حجاب داشتیم بسیار توهین آمیز بود. بماند که پوشش بعضی از هم وطنان شرم آور بود. فقر در مرکز شهر در کنار ساختمان‌های تجاری لوکس موج می‌زد. فقر در حال تكدی گری دیده می‌شدند. وجود زاغه نشینان در حاشیه شهر بسیار بارز بود.

در مسیر برگشت به ایران تصمیم گرفتیم اقامتی در کوالالامپور داشته باشیم. البته به واسطه برنامه پروازها این امکان برای ما به وجود آمد. در هتل چهار ستاره‌ای اقامت داشتیم که متأسفانه امکانات مطرح شده توسط آژانس هواپیمایی از جمله اینترنت رایگان صحت نداشت. طعم غذاها و تفاوت فاحش ذائقه، بوی محیط و رطوبت منطقه مشکلاتی را برای ما به وجود آورد. حتی یکی از همراهان دچار کسالت شد. بعد از پیدا

همایش در مرکز همایش‌های ساراواک

اسرائیلی در یکی از ساعت‌های تفریح بین ارائه‌ها به ما نزدیک شد و گفت که ارائه ما را از ترکیه دنبال می‌کند.

تحقیق در خصوص درآمد استادان دانشگاه حاضر در همایش بود که با همه حاضرین مصاحبه می‌کرد و هنگامی که با ما مصاحبه کردند متوجه شدیم حداقل حقوق در تحقیق به عمل آمده ۱۰۰۰ دلار بود که ما زیر ۲۰۰ دلار در ماه بودیم... نکته دیگری که متوجه شدم این بود که شرکت کنندگان اسرائیلی توجه خاصی به ارائه ما داشتند طوری که یک خانم

آنچه توجه ما را به خود جلب کرد حضور میز آمریکا، انگلستان و اسرائیل در این همایش بود. البته مسئولان اصلی از کره جنوبی و چین بودند. محققان استرالیایی جذب پوشش بانوان ایرانی و البته سطح زبان انگلیسی و سطح تحقیقات آنها شده بودند. اما اتفاقی افتاد که بسیار تامل برانگیز بود، محقق پاکستانی در حال

سفر به بلغارستان

تجربه سفر به سوفیا، بورگاس و وارنا

در شهر سوفیا بافت قدیمی شهر توجه ما را به خود جلب کرد. البته حضور پررنگ مسافران اسرائیلی و اقامت در هتل‌های آن‌ها و احترام ویژه هتل داران به این مسافران ثروتمند بود. در مراکز خرید به یک هم وطن ایرانی برخوردیم که با تعجب به ما گفت (شما چطور به اینجا وارد شدید) این محدوده را با تور می‌آیند (چطور انفرادی آمدید)؟! راستش رفتار ایشان برای ما سوال برانگیز بود. متوجه شدیم نوعی مافیای گردشگری هم وجود دارد. در شهر سوفیا اهمیت به تاریخ، فرهنگ و مذهب دیده می‌شد. کلیساها و موزه‌ها، سنگ فرش سنگی خیابان‌ها و نمای تاریخی آن‌ها چشم نواز بود.

مسیر سوفیا به دهکده توریستی بورگاس را زمینی طی کردیم. این دهکده محل برگزاری همایش بود. در مسیر سربسز جاده‌های یاد جاده‌های شمال افتادم با این تفاوت که آنجا به دور از زباله بود. وقتی وارد محوطه هتل رویال کستل شدیم میهمانان و میزبانان از حضور گروه ایرانی با حجاب تعجب کردند البته مورد تمسخر علنی برخی هم قرار گرفتیم. تعجب می‌کردند که ما چطور در چنین هتل لوکسی اقامت داریم. میهمانان اصلی این هتل روس‌ها و اروپایی‌ها بودند و جالب بود برخی از فروشندگان فروشگاه‌های ساحلی اهل باکو در آذربایجان بودند که وقتی با ما هم صحبت شدند از پوشش ما بسیار تعریف می‌کردند. آنچه توجه ما را به خود جلب کرد ناخودآگاه مقایسه ترک‌ها در ترکیه با بلغارها در احترام به مذاهب و فرهنگ میهمانان بود.

با سفر به شهر قدیمی در محدوده بورگاس متوجه شدیم که با توجه به بافت قدیمی و تاریخی و منطقه توریست پذیر نوعی شرایط درآمدزایی برای مردم منطقه فراهم کردند. آنچه مشاهده می‌شد فقر مردم محلی بود، شهرها فعال و زنده نبودند و با جوانان شاغل در هتل صحبت کردیم می‌گفتند شغل‌های فصلی در هتل‌ها دارند. جالب اینجاست که بسیاری از ایرانی‌ها در آرزوی سفر به بلغارستان، تحصیل و اقامت در آنجا هستند.

در مسیر بازگشت یک روز اقامت در شهر وارنا داشتیم و در هتلی بودیم که ۵۰۰ ایرانی در آنجا میهمان بودند. اما متأسفانه رفتار ناشایست آن‌ها به حدی بود که حتی در طبقات هتل به فارسی نوشته بودند نوع پوشش را رعایت کنید.



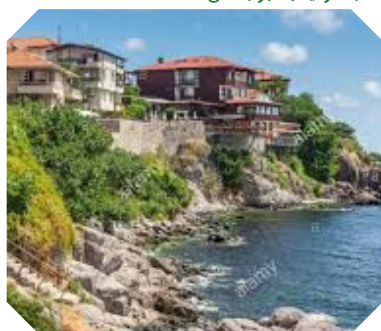
*بلغارستان



*از سوفیا به بورگاس



*خیابانهای سوفیا



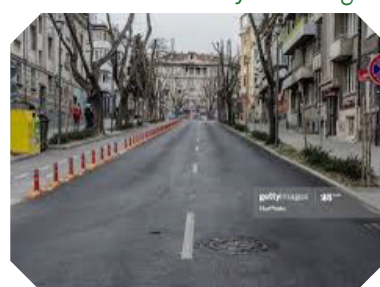
*Old Town



*هتل Royal Castle



*Old Town



*Varna Street

سخن آخر

بسیار سفر باید تا پخته شود خامی این که بسیاری از جوانان ما در حسرت مهاجرت و اقامت در کشورهای دیگر هستند، حقیقتی انکارناپذیر است اما وقتی با دقت به حقیقت موجود در کشورهای دنیا متوجه می‌شویم مهاجرت بی مطالعه صرفاً از بین بردن صورت مسئله و نوعی اجتناب از مشکلات است. امیدوارم فرصت سفرهای با عزت و غرور آفرین، برای همه عزیزان فراهم آید تا به ایرانی بودن خود در جوامع بین المللی بیشتر ببالیم. سفر با عزت علمی واقعاً ارزشمندتر از شهروند درجه چندم شدن در کشوری دور افتاده است. البته به شرط این که طعمه جزیره آدم خواران نشویم.

